

به نام خدای محبت

رگِ تاک

(مجموعه شعر)

نوذراشرفی

انتشارات نوید شیراز



۲

سرشناسه	: اشرفی، نوذر، ۱۳۱۶ -
عنوان و نام پدیدآور	: رگ تاک/ سرآینده نوذر اشرفی.
مشخصات نشر	: شیراز : نوید شیراز، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	: ۱۶۸ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۱۹۲-۲۷۲-۵
وضعیت فهرست نویسی	: فیفا
موضوع	: شعر فارسی -- قرن ۱۴
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۱ ر ۴۸۲۳۸ ش/ PIR۷۹۵۳
رده بندی دیویی	: ۸۶۲/۶۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۷۷۰۶۹۷



رگ تاک

سرآینده : نوذر اشرفی

طرح جلد: سعید فضلی □ لیتوگرافی و چاپ: واصف □ نیاز □ ۱۵۰ جلد
چاپ اول: ۱۳۹۱ □ حق چاپ محفوظ

ناشر : انتشارات نوید شیراز

دفتر شیراز - تلفن ۶۲-۲۲۲۶۶۶۱ نمابر ۲۲۲۹۶۷۶-۰۷۱۱ □ ص.ب. ۷۱۳۶۵/۶۶۶

دفتر تهران - تلفن ۵۹۴۵-۸۸۹۰۵۹۴۵ نمابر ۱۵۲۲-۸۸۹۲۱۵۲۱-۰۲۱

پست الکترونیکی: info@navideshiraz.com

وب سایت: www.navideshiraz.com

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۹۲-۲۷۲-۵ ISBN: 978-600-192-272-5

۷۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۹	مقدمه
۱۵	تقدیم به همسر
۱۷	یادی به اختصار از گذشته‌های شیراز
۳۹	در وصف کورش
۴۲	تخت جمشید
۴۴	در وصف قلات ییلاق شیراز
۱۰۰۰	قلعه‌ی قزل آرسلان روی قسمتی از کوه قلات (پیش از ۱۰۰۰ سال پیش)
۴۷	به یاد طبیعت و خانه‌های گاه‌گلی پر از عشق در قلات
۵۵	محبت
۵۷	قصرالدشت (مسجد بردی)
۶۲	دوستی

- ۶۴ «زنده بودن برای زندگی دیگران»
- ۶۶ ارتباط با خویشتنِ راستین (جانِ جانان)
- ۶۸ رسیدن به بیداری و آگاهی
- ۷۱ زندگی وقتِ کمی بود
- ۷۳ (فکر در بی خبری بود)
- ۷۵ خویشتنِ راستین و خویشتنِ دروغین
- ۷۸ نوروز در گذشته‌های شیراز
- ۸۲ اشاره‌ای کوتاه به شعر، موسیقیدانان و نوازندگانِ ایران
- ۸۶ نامِ گر
- ۸۸ ایلِ قشقایی در فارس
- ۹۱ شهرستانِ جهرم
- ۹۳ شهرستانِ نیریز
- ۹۶ شهرستانِ فیروزآباد
- ۹۸ فَرَوَهَر (جوهر) از دیدگاه زرتشتیان
- ۱۰۰ شهرستانِ داراب
- ۱۰۲ شهرستانِ استهبانات (سابونات)
- ۱۰۴ نوری در تاریکی (زنده‌یاد محمد بهمن بیگی)
- ۱۰۶ بی‌پناه
- ۱۰۸ یک ذره ایمان
- ۱۱۰ قصه‌ی سامریِ نیکو

- ۱۱۷..... مرنج از کسی
- ۱۱۹..... نترسم
- ۱۲۱..... می چکد هنوز
- ۱۲۲..... سفرِ عمر
- ۱۲۴..... خودخواهی
- ۱۲۷..... سیارهٔ زمین
- ۱۲۹..... غارِ دزدان
- ۱۳۲..... خدا محبت است
- ۱۳۴..... دشمنانِ درون
- ۱۳۷..... ای خوش به حال آنکه
- ۱۴۰..... زخط و نامه آن باوفايم
- ۱۴۲..... چو شادی بکاهد بکاهد روان (۱)
- ۱۴۸..... دنباله نوری در تاریکی (زنده یاد محمد بهمن بیگی)
- ۱۵۲..... سپیدان
- ۱۵۵..... دشت ارژن
- ۱۵۷..... هفت بَرَم (در حوزه مشایخ دشمن زیاری)
- ۱۵۹..... جاده قدیم از دشت ارژن به بوشهر
- ۱۶۵..... سروستان
- ۱۶۷..... آیا کمکی از دست من برمی آید؟
- ۱۶۷..... بهترین نوع خلع سلاح کردن
- ۱۶۸..... یکدیگر را ملاقات کنیم

مقدمه

محبت: اهمیت و اصالتِ محبت نه فقط از این لحاظ است که خداوند به آن امر فرموده است، بلکه از این جهت است که آدمی به آن محتاج است، مردم به محبت احتیاج دارند و بدون آن ناقص می‌مانند و به سعادت و کمال خود نمی‌رسند.

کودکی که در سال‌های اولیه عمر خود از محبت دیدن محروم باشد نه فقط کودکی شاداب و خوشحال نخواهد بود، بلکه در سنین بلوغ نیز ممکن است دچار اختلالات روحی و روانی گردد.

سالخوردگان نیز اگر تنها گذارده شوند ممکن است احساسِ عدم محبت کنند و فکر کنند که وجودِ آنها زائد است و کسی دیگر ایشان را نمی‌خواهد. از محبت محروم بودن و تمام عمر را از این محرومیت رنج بردن از مسائل جدیِ زندگیِ اجتماعیِ بشری است. مثلاً دیگر و شاید جدی‌تر از آن این است که شخص نتواند محبت کند. آدمی برای محبت کردن و محبت دیدن آفریده شده است و کسیکه در این مسیر زندگی نکند بیمار است، هیچ چیز مانع این نخواهد بود که ما از خودخواهی خود خارج شویم و دیگران را محبت کنیم. محبت،

محبت ایجاد می‌کند، خدا محبت است و هر که در محبت ساکن است در خدا ساکن است و خدا در وی.

تشریح محبت: محبت بسیار صبور است، بسیار مهربان است حساب نمی‌ورزد، محبت خودنمایی نمی‌کند، باد و افاده ندارد، هرگز بی‌ادب نیست هیچ‌وقت خودخواه نیست، ابدأ رنجش به خود راه نمی‌دهد، هرگز کینه و نفرت در دل نگاه نمی‌دارد. محبت هیچ‌وقت از اشتباه دیگران خوشحال نمی‌شود، برعکس هر کجا خوبی باشد او را به وجد می‌آورد.

در قضاوت و عیب‌جویی عجله نمی‌کند، همیشه مشتاق است جنبه‌های خوب را به بیند و چیزهای خوب درباره اشخاص بشنود و باور کند، همیشه امیدوار است، همیشه بردبار است محبت هرگز ساقط نمی‌شود.

ابرقدرت: عبارت «خدا محبت است» معانی بی‌شماری دارد. یکی از آن معانی این است که هر قصد و نیت و سیاست و روشی که بر روی خودخواهی بنا شده باشد و مخالف محبت باشد بالاخره به فاجعه و مصیبت خواهد انجامید. زیرا که با عالی‌ترین اصل هستی و وجود، مخالف است. برعکس هر قصد و نیت و روشی که با محبت سازگار باشد حتماً کامیاب خواهد گردید، هر چند لازم باشد در مراحل اولیه قربانی‌های زیادی هم بدهد. بنابراین زندگی باید مبارزه بر علیه ظلم و ستم و خودخواهی باشد، با اتحاد با ابرقدرت یعنی خدای محبت.

منصور خلّاج: وقتی که او را برای صلیب کردن آوردند و او

صلیب و میخ‌ها را دید به مردمی که اطراف وی جمع شده بودند رو کرد و شروع به دعا کردن نمود. و بالاخره دعای خود را با این کلمات خاتمه داد.

«ای خداوند این خادمان خود را که به علت غیرت مذهبی خود و به جهت جلب رضای تو اکنون برای کشتن من جمع شده‌اند ببخشای و بر ایشان رحمت بفرمای، زیرا که اگر آنچه را که بر من مکشوف داشته‌ای به ایشان مکشوف ساخته بودی، به طور حتم آنچه را که کرده‌اند نمی‌کردند و اگر آنچه را که از آنها پنهان داشته‌ای از من پنهان داشته بودی من اکنون تحمل این عذاب نمی‌شدم. تو را جلال باد برای هر چه که اراده کنی و هر چه که انجام می‌دهی» (مصلوب به سال ۹۲۲ میلادی)

در این دنیا

در این دنیا عشق و قدردانی بسیار مهم و کارسازند، حتی قدردانی از عشق هم بالاتر است، چندی پیش کتابی خواندم که یک دانشمند سوئیسی آب‌ها را تحت آزمایش قرار می‌داد، و آبی را که با تشکر و قدردانی به بلور یخ تبدیل می‌کرد، بلورها منظم و زیبا و هندسی تشکیل می‌شدند، ولی آبی که مورد قدردانی قرار نمی‌گرفت اگر یخ می‌بست بلورش نامنظم و بی‌شکل بود.

ژاپنی‌ها مقداری برنج را در سه ظرف شیشه‌ای قرار دادند و به مدت یکماه به ظرف اولی گفتند «از تو متشکرم» و به ظرف دوم گفتند «از تو متنفرم» و ظرف سوم را کنار گذاشتند و به او بی‌توجه شدند،

بعد از مدتی برنج ظرفِ سوم سیاه شد، و مدتی بعد برنج ظرفِ دوم سیاه شد، ولی برنج ظرفِ اول جوانه زد و بویِ جوانه جو می‌داد، ژاپنی‌ها بیش از پانصد مرتبه این آزمایش را تکرار کردند، و نتیجه گرفتند که قدردانی چقدر مهم است، وقتی بیجان‌ها اینقدر تحت تأثیر قدردانی قرار می‌گیرند، انسان‌ها چقدر؟

در برابر مخالفت و جفا:

در برابر تمام مخالفت‌ها و جفاها این‌طور رویه‌رو خواهیم شد با صدق و صفا و صمیمیت، با بصیرت و فهم، با صبر و حوصله... و با محبتِ اصیل و بی‌ریا، حقیقت‌صالح و ساده را خواهیم گفت و با متکی به نیروی الهی، زندگی پاک و سلامتِ نفس ما خواهد بود، چه ما را حرمت بدارند و چه بی‌حرمتی کنند، چه ما را تمجید کنند و چه سرزنش نمایند.

دعای فرانسیس قَدّیس:

خداوندا، مرا برای ایجادِ توسعه و استقرارِ صلح و سلامتی که منظورِ توست وسیله گردان، تا هر جا نفرت حکم فرماید، محبت نمایان سازم. هر جا آزرده‌گی و رنجش در میان است، عفو و بخشش ظاهر کنم. هر جا نفاق و ناسازگاری در کار است، اتفاق و هم‌انگهی ایجاد نمایم. هر جا اشتباه و نادرستی وجود دارد، حقیقت و راستی آشکار سازم، هر جا یأس و حرمان شیوع دارد، امیدوار و فعال باشم، هر جا سوء تفاهم و تیره‌گی غلبه دارد، حُسنِ تفاهم و درخشندگی بروز دهم، هر جا حزن و اندوه چیره گشته است، فرح و شادمانی برقرار سازم.

خداوندا ببخش به جایِ این که جویایِ غمگسار و غم‌خواری
جهتِ خود باشم دیگران را دلجویی کرده تسلی بخشم.
به جایِ این که بخواهم دیگران مرا بشناسند و به مشکلاتم پی
ببرند، سعی کنم ایشان را شناخته به درِ دلِ آنان رسیدگی نمایم.
به عوضِ این که بخواهم محبوب القلوب واقع شوم، سعی کنم
دیگران را محبت نمایم.
زیرا که یافتن در بخشیدن است، و زندگی جاوید کردن در مُردن.

آتش الهی:

او زمین و آسمان را تکان خواهد داد تا هر چه که لرزش ناپذیر
باشد به جای بماند. وی آتشی سوزنده است تا هر چه که ناسوختنی
و تمام نشدنی باشد برای ابد باقی بماند.
ذاتِ الهی به قدری پاک و خالص است که مانند آتش آنچه را که
ناپاک و ناخالص باشد نابود می‌سازد. وی همین نوع خلوص و پاکی
را در پرستشِ ما خواهان است، خلوص و پاکی محض این نیست که
اگر پرستشِ ما خالص و پاک نباشد، آتش ما را می‌سوزاند. بلکه این
است که آتش ما را می‌سوزاند تا پرستشِ ما خالص و پاک گردد.
آری سوزاندن در وجودِ ما ادامه خواهد یافت تا آنچه که غیر
خداست سوخته شود و شخصیتِ ما تماماً تسلیمِ وجودِ او گردد، نه
همراه با درد و سوزش بلکه با احساسِ متعالی‌ترین نوع زندگی،
یعنی درکِ حضورِ خدا.